

عوامل حسرت در قیامت از دیدگاه قرآن کریم

دوستی با گمراهان

اشاره

در جلسات پیشین، در باره حسرت و عوامل آن در آخرت سخن گفته و به دو عامل مهم یعنی اعراض از یاد خدا و ترک عمل صالح اشاره کردیم. در این جلسه به یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل حسرت در آخرت، یعنی دوستی با گمراهان اشاره خواهد شد.

بایستگی انتخاب دوست

انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند به تنهایی و به دور از اجتماع انسانی زندگی کند. بنابراین در زندگی بشری، چاره‌ای از دوستی و هم‌نشینی افراد انسانی با یکدیگر نیست. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، با گوشه‌گیری و کناره‌گرفتن از جامعه مخالف است. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید: «خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ»^۱ «بهترین مؤمن کسی است که با مؤمنان انس و الفت دارد و کسی که نه الفت‌پذیر است و نه الفت می‌گیرد، در او خیری نیست». امام علی عَلِيٌّ نیز می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّبِّ»^۲ «از گوشه‌گیری و جدایی بپرهیزید؛ زیرا کسی که از دیگران جدا شود،

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۴، ص ۲۹۸.

۲. شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۲۷.

نصیب شیطان می‌شود؛ همان‌گونه که اگر گوسفندی از گله جدا باشد، نصیب گرگ می‌شود».

با نگاهی به جامعه امروزی، روشن می‌شود که گوشه‌گیری و انزواطلبی، سرچشمه بسیاری از گناهان از جمله خودارضایی، روی آوردن به اعتیاد، مشکلات عصبی و... است. پیدا کردن دوست خوب آن‌قدر اهمیت دارد که از نگاه حضرت علی علیه السلام عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست عاجز باشد و از او عاجزتر، کسی است که دوستان به دست آورده را از دست بدهد: «أَعَجَزَ النَّاسُ مَنِ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ وَ اَعَجَزَ مِنْهُ مَنْ صَيَّحَ مِنْ ظَفَرِهِ مِنْهُمْ»^۱.

البته دوستی مورد تأکید اسلام، رفاقتی است که برای خدا باشد نه برای ثروت، پارتی‌بازی، آفازادگی، دوستی با نامحرم، بازی‌های سیاسی غیرشرعی و ...

عواقب دوستی با افراد ناباب

هر چند اسلام بر اصل دوستی تأکید کرده، ولی از دوستی با افراد ناباب نیز به شدت نهی نموده است؛ چنانکه قرآن می‌فرماید:

و يَوْمَ يَعْصُ الضَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمَّ اتَّخَذْتُ فُلَانًا حَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا^۲ و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود! و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است.

شیطان دوست‌نما

مهم‌ترین شأن نزولی که درباره این آیه نقل شده، چنین است: عقبه بن ابی معیط و ابی بن خلف، از دوستان قدیمی همدیگر بودند. یکبار عقبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به

۱. همان؛ حکمت ۱۲.

۲. فرقان: ۲۷ - ۲۹.

میهمانی دعوت کرد. هنگامی که موقع خوردن غذا فرا رسید، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او خواست، شهادتین را بگوید تا از غذایش تناول کند. عقبه نیز پذیرفت. خبر شهادتین عقبه در مکه پیچید. از جمله به گوش ابی بن خلف که در آن مجلس حضور نداشت، رسید. وی نزد دوستش آمد و گفت: من هرگز از تو راضی نمی‌شوم، مگر اینکه نزد محمد بروی و به شدت به او توهین کنی.^۱ عقبه این کار را کرد و مرتد شد و سرانجام در جنگ بدر، در صف کفار به هلاکت رسید و رفیقش اُبَی نیز در روز جنگ احد کشته شد.^۲

شان نزول سبب اختصاص آیه به فرد خاصی نمی‌شود و این آیه شامل تمامی انسان‌هایی است که به وسیله دوستان بد، از راه حق منحرف شده‌اند. این آیه درس بزرگی برای جوانانی است که در مجالس و شب‌نشینی‌ها، فریب دشمنان دوست‌نما را می‌خورند. اینان در روز قیامت، با حسرت و اندوه می‌بینند که این دوستی‌ها برایشان هیچ سودی نداشته و به فرموده قرآن «و هیچ دوست صمیمی سراغ دوستش را نمی‌گیرد. در این هنگام گنهکار دوست دارد اقوام و همه مردم روی زمین را فدا کند تا مایه نجاتش گردند، اما هرگز چنین نیست (که با اینها بتوان نجات یافت، آری) شعله‌های سوزان آتش است».^۳

در روایات نیز از دوستی با افراد ناباب نهی شده است؛ چنانکه امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرُقُ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ».^۴ «از مصاحبت و دوستی با مردم شرور و فاسد بپرهیز؛ زیرا طبیعت تو به صورت ناخودآگاه بدی و ناپاکی را از طبع منحرف او می‌دزدد، در حالی که خود نیز از آن بی‌خبری».

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ دوستی و هم‌نشینی با بی‌دینان و گناهکاران را نکوهش و تأکید می‌کند مجالست با اینان، نه تنها حالات و اعمال انسان، بلکه قلب او را دگرگون و فاسد

۱. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۷، ص ۲۶۱

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۵، ص ۶۹.

۳. معارج: ۱۱-۱۵.

۴. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۲۰، ص ۲۷۲.

می‌کند؛ به گونه‌ای که پس از سالیان طولانی نیز نمی‌توان قلب را از آن رذایل پاک کرد.^۱
نخست موعظه پیر صحبت این حرف است که از مصاحب ناجنس احتراز کنید^۲

پیامدهای دوستی با گمراهان

دوستی با افراد ناباب مشکلات و ناراحتی‌های فراوانی برای دنیا و آخرت آدمی فراهم می‌کند که در ادامه به برخی از عواقب آن اشاره می‌کنیم.

۱. پشیمانی

قرآن کریم در آیه ۵۲ سوره مائده از بیماردلانی سخن می‌گوید که به خاطر ترس از گرفتاری، با یهودیان و مسیحیان طرح دوستی ریختند، ولی سرانجامشان حسرت و خسران شد. نمونه عینی این افراد، کسانی هستند که امروزه از ترس آمریکا و دیگر قدرت‌های استکباری، حاضرند اقتدار خود را کنار گذاشته و لباس ذلت بپوشند؛ ولی افراد با ایمان از دوستی با این افراد اجتناب کرده و شعارشان این است که: «آیا این (منافقان) همان‌ها هستند که با نهایت تأکید سوگند یاد کردند که با شما هستند؟! (آری)، اعمالشان نابود گشت و زیانکار شدند».^۳
اگر از تبهکارانی که امروزه گوشه زندان‌ها به سر می‌برند و لب به حسرت می‌گزند، معتادانی که گوشه خیابان‌ها افتاده‌اند و همه کسانی که عاقبت به خیر نشده‌اند، بپرسیم مهم‌ترین علت بدبختی شما چیست و بیش از همه از چه چیز حسرت می‌خورید؟ شاید اولین جواب آنان این باشد: «دوست ناباب».

۲. زیبا دیدن باورهای نادرست و اعمال زشت

قرآن کریم آنگاه که از سرنوشت شوم دشمنان خدا سخن می‌گوید، وضعیت دنیوی آنان را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «ما برای آنها هم‌نشینی (زشت‌سیرت) قرار دادیم

۱. امام خمینی؛ شرح چهل حدیث؛ ص ۳۷۶.

۲. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی؛ دیوان/شعار؛ به کوشش خطیب رهبر؛ غزل ۲۴۴، ص ۳۳۰.

۳. مائده: ۵۳.

که زشتی‌ها را از پیش‌رو و پشت‌سر آنها در نظرشان جلوه دادند و فرمان الهی در باره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جنّ و انس که قبل از آنها بودند، گرفتار شدند؛ آنها مسلماً زیانکار بودند.^۱

افرادی که جوانان را به دام اعتیاد و فساد می‌کشند، هیچ‌گاه از ضررهای مواد افیونی برایشان نمی‌گویند؛ بلکه آن را مفید جلوه می‌دهند. به جای اینکه از ضررهای دزدی بگویند، او را به پول کلان و بادآورده وسوسه می‌کنند. برای گمراه کردن دختران معصوم، به آنان وعده ازدواج می‌دهند و این مطلب درباره همه دوستان ناباب و وسوسه‌هایشان، صدق می‌کند.

۳. ذلت و خواری

دوزخیان، خواری خودشان را در قیامت این‌گونه به تصویر می‌کشند: «ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت، بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود! و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است». ^۲ چه ذلتی از این بالاتر که جوانی که می‌توانست به بهترین مقامات علمی، مادی و معنوی برسد، به خاطر وسوسه‌های یک دوست ناباب، گمراه شده و همه چیز خودش را از دست بدهد؟
هلاکت، ^۳ حسرت ^۴ و آتش دوزخ، ^۵ از دیگر آثار دوستی با بدان است که از توضیح آن صرف‌نظر می‌کنیم.

ویژگی‌های دوستان خوب

اینک که ثابت شد وجود دوست ضروری است و باید از دوستان بد پرهیز کنیم، نوبت به جواب این پرسش می‌رسد که یک دوست خوب باید از چه ویژگی‌های

۱. فضلت: ۲۵.

۲. فرقان: ۲۸ و ۲۹.

۳. صافات: ۵۱ و ۵۴-۵۶.

۴. اکبر هاشمی رفسنجانی و دیگران؛ فرهنگ قرآن؛ ج ۱۴، ص ۱۴۴.

۵. صافات: ۵۱ و ۵۴-۵۶.

اخلاقی، رفتاری و فکری برخوردار باشد تا سزاوار محبت و ورزیدن و دوستی باشد؟
برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. ایمان

اولین و مهم‌ترین شرط دوستی، ایمان است. قرآن در این رابطه آیات گوناگونی دارد که ما را از دوستی با کافران و مشرکان و منافقان بر حذر می‌دارد: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ»^۱ «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست».

در واقع قرآن، یک درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می‌دهد. تاریخچه استعمار گویای آن است که ظالمان استعمارگر، همیشه در لباس دوستی و دلسوزی و اظهار محبت ظاهر شده و در نهایت بر آن جامعه تاخته و هر چه بوده، به یغما برده‌اند. امروزه نیز آمریکای جنایتکار با نام «دوستی با ملت ایران»، سعی می‌کند به چپاول خود ادامه دهد.

در مباحث فردی نیز یکی از بزرگ‌ترین مشکلات امروز جامعه، این است که افراد برای انتخاب دوست، به ایمان او توجه کافی نمی‌کنند. بسیاری از جوانان فریب ظاهر افراد را خورده و دست دوستی به سوی «دست‌کش‌های مخملین» دراز می‌کنند؛ غافل از اینکه این دست‌ها برای فریب و نابودی فرد در دنیا و آخرت به سوی او دراز شده است. ولی فرد با ایمان سعی می‌کند هیچ‌گاه گول این افراد را نخورد.

قرآن کریم حکایتی درس‌آموز از بهشتیان را این‌گونه بیان می‌کند:

بهشتیان، آنگاه که بر تخت‌ها نشسته و گفتگو می‌کنند، یکی از آنان می‌گوید:
همانا مرا در دنیا هم‌نشینی بود که می‌گفت: آیا تو واقعاً از کسانی هستی که رستاخیز را باور دارند؟! می‌گفت: آیا وقتی مردیم و خاک گشتیم و استخوان‌هایی [پوسیده] شدیم، به راستی زنده می‌شویم و سزا می‌بینیم؟! سپس

۱. آل عمران: ۲۸.

آن مرد بهشتی به یاران خود می‌گوید: آیا شما [هم] به دوزخ سر می‌کشید تا هم‌نشین مرا ببینید و فرجامش را بنگرید؟ پس او به آتش سر می‌کشد و هم‌نشینش را در میانه دوزخ می‌بیند. به او می‌گوید: به خدا سوگند، نزدیک بود مرا به دوزخ افکنی و به هلاکت‌اندازی، و اگر نعمت هدایت و توفیق پروردگار نبود، قطعاً من نیز از کسانی بودم که برای عذاب احضار می‌شدم.^۱

۲. عقل

عقل، مشعل فروزان زندگی است و بهروزی و سعادت آدمی در سایه تدبیر و اندیشه است. اسلام نیز یکی از شرایط رفاقت و دوستی را عقل و خرد دانسته و تأکید نموده که با صاحبان عقل، معاشرت و دوستی داشته باشید. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكَ أَنْ تَصْحَبَ ذَا الْعَقْلِ فَإِنَّ لَمْ تَحْمَدْ بِكَرَمِهِ انْتَفَعِ بِعَقْلِهِ»^۲ «سعی کن با انسان عاقل دوستی نمایی تا اگر از کرم و بخشش آن نتوانی استفاده کنی، از عقلش بهره ببری». امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «هم‌نشینی با دوست دانا، سبب زنده بودن روح است».^۳

این در حالی است که رفیق ناشایست و دوست جاهل، هم‌چون زهری است که وجودش هر لحظه جسم و جان را آزار می‌رساند. در روایات اسلامی به شدت از دوستی با رفقای جاهل و بی‌خرد نهی شده است. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مَنْ لَمْ يَجْتَنِبْ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ يُوشِكُ أَنْ يَتَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِهِ»^۴ «کسی که از رفاقت و هم‌نشینی با احمق پرهیز نکند، تحت تأثیر کارهای احمقانه وی واقع می‌شود و زود به اخلاق ناپسندش متخلق می‌گردد».

شعر زیر ترجمه این سخن امام علی علیه السلام است که فرمود: «عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ أَحْمَقٍ»^۵

دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست

۱. سید محمد رضا صفوی؛ ترجمه قرآن بر اساس المیزان؛ صفات، آیات ۵۰ - ۶۱.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۱، ص ۱۸۸.

۳. عبدالواحد آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۴۲۹.

۴. شیخ صدوق؛ الأمالی؛ ص ۲۷۰.

۵. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۱۲.

دشمن دانا بلندت می‌کند بر زمینت می‌زند نادان دوست چنانکه روایت «إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ، فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرَّكَ»^۱ نیز بر همین مطلب دلالت می‌کند.

ضرب‌المثل‌های «دوستی خاله خرسه»، «عاقل آن است که پرهیز کند از جاهل» و «گلشن بی‌خردان، گلخن است»،^۲ همگی بیانگر آن است که دوستی با افراد فاقد عقل و شعور، نادرست و زیانبار است.

۳. علم

هم‌نشینی با دانشمندان و دوستی با آنان در اسلام، بسیار مورد تأکید قرار گرفته؛ به گونه‌ای که برخی از دانشمندان بخشی از کتاب‌های خود را به این امر اختصاص داده‌اند^۳ و روایات فراوانی نیز بر این مطلب دلالت دارد؛ برای مثال حضرت علی عليه السلام فرمود: «مَنْ جَالَسَ الْعُلَمَاءَ وَقَرَّوْ مِنْ خَالِطِ الْأَنْدَالِ حُقَّتْ»^۴ «کسی که با علما بنشیند، با وقار و بزرگواری می‌شود و کسی که با مردم فرومایه و خوار هم‌نشینی کند، کوچک و پست گردد».

در روایت دیگری آمده است: مردی در محضر رسول‌خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود که سخن از دوستی و هم‌نشینی با دوست خوب شد. از رسول‌خدا صلی الله علیه و آله پرسید: ای پیامبر خدا! دوستان خوب چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله کوتاه، اما پر معنا فرمود: «مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ زُؤِيْتُهُ وَزَادَكُمْ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَذَكَرَكُمْ بِالْآخِرَةِ عَمَلُهُ»^۵ «آن کسی که دیدارش، شما را به یاد خدا بیندازد و سخنش، بر دانش شما بیفزاید و رفتار او آخرت [و ترس از روز جزا] را به یاد شما بیندازد».

۴. رعایت احترام

یکی دیگر از ویژگی‌های دوست خوب، رعایت احترام دوست است. چه بسا که

۱. شریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ حکمت ۳۸.

۲. غلامرضا حیدری ابهری؛ حکمت‌نامه پارسیان؛ ص ۳۳۷.

۳. ر.ک: محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱، ص ۱۹۸.

۴. همان؛ ج ۱، ص ۲۰۵.

۵. همان؛ ج ۷۱، ص ۱۸۶.

تغییر رویه‌ها و اصلاحات رفتاری، به همین سبب اجرا می‌شود؛ زیرا احترام، باعث هدایت دیگران می‌گردد.

۵. راستگویی

قرآن کریم، صداقت را از معیارهای انتخاب دوست معرفی کرده^۱ و در روایات نیز این مطلب به صراحت آمده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَتَمَّا سَمَّى الصَّدِيقُ صَدِيقًا لِأَنَّهُ يَصْدُقُكَ فِي نَفْسِكَ وَ مَعَايِكَ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَاسْتَنْمِ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ الصَّدِيقُ»^۲ «دوست به این دلیل دوست نامیده شده که در مورد نفس تو و عیب‌هایت به تو راست می‌گوید. پس هر کس این کار را با تو کرد، به او آرام گیر که او دوست توست».

مردی بسیار به امام مجتبی علیه السلام علاقمند بود. خدمت امام آمد و از او خواست که دوست و هم‌نشین او باشد. امام مجتبی پاسخ مثبت داد و فرمود: «من تو را به دوستی خود بر می‌گزینم؛ اما چند شرط دارد که باید در دوستی با من رعایت کنی!» مرد پذیرفت. امام فرمود: «اگر می‌خواهی با من دوست باشی، نباید مرا مدح کنی؛ زیرا من خود را بهتر از تو می‌شناسم. مبدا به من دروغ بگویی؛ زیرا دروغ را ارزش و اعتباری نیست و مبدا نزد من از کسی غیبت کنی!» مرد اندکی سکوت کرد و چون آن شرایط را در خود نمی‌دید، به امام گفت: ای فرزند رسول خدا! به من اجازه بده تا بازگردم. امام با لبخندی فرمود: «اگر این گونه می‌خواهی، اشکالی ندارد».^۳

۶. نصیحت و نصیحت‌پذیری

دوست خوب باید همانند آینه باشد و عیب‌های قابل اصلاح و زشتی‌های رفتاری دوست خود را پنهانی، بدون جار و جنجال بدون بازگو کردن نزد دیگران، با صداقت و بدون کم و زیاد کردن به دوستش گوشزد کند؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ»^۴

۱. اکبر هاشمی رفسنجانی و دیگران؛ فرهنگ قرآن؛ ج ۱۴، ص ۱۷۴.

۲. عبدالواحد آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۷۳.

۳. باقر شریف قریشی؛ حیاة الامام الحسن؛ ص ۳۱۸.

۴. ورام بن ابی فراس مالکی؛ مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)؛ ج ۲، ص ۱۲۳.

گر عیوب تو دوست گفت مرنج که رسول ستوده خود گوید
بهترین دوست در زمانه کسی است که عیوب تو روبرو گوید^۱
امام حسین علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «مَنْ أَحَبَّ نَهَاكَ وَمَنْ أَبْغَضَكَ أَغْرَاكَ»^۲:
«دوست حقیقی تو را نصیحت کرده و از لغزش باز می دارد؛ اما آنکه دوستت ندارد،
تو را فریب داده و در انجام گناهان مغرورت می کند».

۱. ناصر باقری بیدهندی؛ گنج حکمت یا احادیث منظوم؛ ص ۱۳۷.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۹۱.